

اقتصاد غیر رسمی در ایران

به سختی می‌توان فعالیت‌های غیرهمگون را ذیل یک عبارت فراگیر به نام اقتصاد غیررسمی جاداد. بسیاری تلاش کرده‌اند تعریفی جامع از اقتصاد غیررسمی ارائه کنند، اما ارائه یک تعریف دقیق اگر نگوییم غیر ممکن. دشوار به نظر می‌رسد. بنابراین باید به راه‌های جایگزین برای شناسایی این پدیده روی آورد. یکی از متداول‌ترین روش‌ها برای محاسبه و سنجش فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی توجه به انگیزه‌های شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی است که با برخی تعدیلات می‌توان از آن برای تحلیل شرایط ایران نیز استفاده کرد. در این شیوه، اقتصاد غیررسمی به سه دسته کلی اقتصاد غیرقانونی، تولیدات غیرثبتی و اقتصاد سایه تقسیم می‌شوند. هر کدام از این دسته‌بندی‌ها تعاریف خاص خود را دارند، اما برای اینکه ریشه‌یابی کنیم که چرا هرکدام از این فعالیت‌ها در اقتصادها رشد می‌کنند، باید دامنه بررسی را به انگیزه‌ها و نقش دولت در کم و کیف آن‌ها محدود کرد. درباره نقش دولت در اقتصاد غیرقانونی باید گفت، این دولت است که با تعیین قوانین، مرز بین کالاهای و خدمات قانونی و غیرقانونی را ترسیم می‌کند. در تولیدات غیرثبتی نیز که عموما محدود به فعالیت‌های کوچک‌مقیاس و دارای ابزارهای تولید توسعه‌نیافته است، فعالیت‌ها به این خاطر از دید دولت پنهان می‌مانند که افراد نوعی حس ناامنی و بی‌احترامی به حقوق مالکیت‌شان را حس می‌کنند، اما در اقتصاد سایه، نقش دولت کمی متفاوت است. در این بخش، از قضا دخالت بیش از حد دولت است که مشکل ساز می‌شود. با اینکه در مطالعات مختلف به مسئله رانت‌جویی، نفوذ و تسخیر نهاد دولت اشاره شده، بنگاه‌هایی هم هستند که توان سوءاستفاده و تسلط بر دولت را ندارند و بیشتر به دنبال راهکارهایی برای فرار از مداخلات و نظارت دولت می‌گردند. این بنگاه‌های رانت‌گرنیز با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع حاصل از رعایت قوانین و مقررات، تصمیم می‌گیرند یا به فعالیت خود در اقتصاد رسمی ادامه دهند یا در بخش غیررسمی و به دور از مداخلات نهاد دولت به فعالیت بپردازند. گرچه در اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی سه رویکرد شناخته‌شده وجود دارد، درباره ایران با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم. با این‌وجود شاید استفاده از مدلی جامع از نشانه‌ها و علت‌ها به MIMIC، راهگشا باشد. در این روش، شاخص‌هایی همچون آزادی تجاری، تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ بیکاری، اندازه دولت، آزادی مالیاتی، نقش قانون، کنترل فساد و پایداری دولت‌ها لحاظ می‌شوند. سال گذشته و در قالب یکی از پژوهزهای طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، اندازه اقتصاد غیررسمی کشور مربوط به دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۹ محاسبه شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، در دوران جنگ اندازه اقتصاد غیررسمی کل از ۳۴ درصد به حدود ۴۰ درصد افزایش یافته که بخش بزرگی از آن به دلیل افزایش اقتصاد غیرثبتی و اقتصاد سایه تولید است. در حقیقت کاهش رشد اقتصادی در دوره جنگ، موجب جذب عوامل تولید در بخش غیررسمی شده و به همین دلیل در اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی جهش رخ داده است. براساس آمارهای بانک مرکزی، در دوران پس از جنگ (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹) متوسط اندازه اقتصاد غیررسمی ۳۸ درصد بوده، در دوره سوم (۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶) از ۳۷ درصد سال ۱۳۷۹ به ۳۱ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش می‌یابد. اما در دوره چهارم (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳) به یکباره جهش قابل ملاحظه‌ای رخ می‌دهد و از ۳۰ درصد به ۳۴ درصد می‌رسد که حاصل تورم‌های بالا، رشد‌های پایین و منفی و تحریم‌هاست. محاسبات کمی نیز نشان می‌دهد در این سال‌ها حجم اقتصاد غیررسمی به ۷۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. در این دوره در نتیجه تورم‌های بالا و دخالت در بازار سرمایه و تجربه رشد‌های پایین و منفی و ناتوانی بازار رسمی در جذب عوامل تولید، بخش‌های اقتصاد سایه در تولید و اقتصاد غیرثبتی و به طور کلی شاخص‌های غیررسمی افزایش یافتند و در نهایت نیز به‌دلیل تحریم‌ها، شاخص قاچاق جهش فزاینده‌ای را تجربه کرد.

دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اقتصادی

گزارش مرکز آمار از رشد اقتصاد ایران در بهار

مرکز آمار ایران نرخ رشد اقتصادی در سه ماهه آغازین سال جاری را اعلام کرد. در این گزارش گفته شده اقتصاد ایران در سه ماهه فصل بهار با احتساب نفت ۱/۷ درصد و بدون نفت ۱/۹ درصد رشد داشته است. محاسبات مرکز آمار حاکی از آن است که برخی بخش‌ها نیز رشد منفی را تجربه کرده‌اند. به این شرح که فعالیت‌های گروه کشاورزی در مقایسه با سال گذشته ۸/۰ درصد رشد منفی داشته و گروه‌های صنعت و خدمات نیز به ترتیب ۴/۰ درصد و ۲/۲ درصد بهبود عملکرد داشته‌اند. بانک مرکزی نیز چند روز پیش‌تر رشد اقتصادی بهار امسال را با احتساب نفت، ۸/۱ درصد و بدون نفت ۷/۰ درصد اعلام کرده بود.

دیپلومک

برسای در ایدعها و اندیشه‌ها

اقتصاد سایه‌نشین

توصیه‌هایی سیاستی برای کاهش سهم و اثرگذاری بخش‌های غیررسمی در بازار کار و اشتغال ایران



اگر چه حضور بخش غیر رسمی در اقتصاد ایران نسبت به کشورهای مشابه پایین‌تر است، کارشناسان می‌گویند با ادامه مسیر فعلی دیری نخواهد پایید که بخش عمده اقتصاد ایران در سایه قرار بگیرند.

حضور افراد در بخش غیررسمی مطرح کرد که به گفته او، پاسخ به آن‌ها برای کم کردن از سهم بخش غیررسمی موثر است. اشنایدر می‌گوید، در همه کشورها، حس بی‌اعتمادی و نارضایتی از نهادهای رسمی در روی آوردن افراد به بازار کار غیررسمی موثر است و معتقد است، به نمایش گذاشتن انگیزه‌های افراد برای حضور در بازار کار، در تعیین و تدوین سیاست مقابله با پدیده اشتغال در بخش غیررسمی و تضمین

موفقیت آن، کلیدی است. دستیار اقتصادی رئیس‌جمهور نیز برآوردی از عمق تاریک و ناروشن اقتصاد ایران و سهم آن در تولید ناخالص داخلی در ۴ دهه گذشته را اعلام کرد. مسعود نبیلی معتقد است، به دلیل برداشت‌ها و دخالت‌های بیش از اندازه نهاد دولت در مقام سیاست‌گذار در همه سال‌های گذشته، بخش‌های بزرگی از اقتصاد ایران به‌پرتگاه فعالیت‌های غیررسمی سوق داده شده است. توصیه نبیلی این

است که دولت در حوزه قاعده‌گذاری و ترسیم و تنظیم قوانین و مقررات، دخالت‌های خود را تا حد بهینه‌ای پایین بیاورد تا حجم اقتصاد غیررسمی به نقطه کمینه، تنزل یابد. عیسی منصوری هم از لزوم به رسمیت شناختن اقتصاد رسمی سخن گفت و حسام نیکبوری نیز کوشید درکی از ارتباط اقتصاد سایه با نظام بیمه‌های اجتماعی برقرار سازد. در ادامه خلاصه‌ای از اهم گفته‌های هم‌مانان همایش را در قالب چند گفتار می‌خوانید.

رابطه تقویت اعتماد عمومی و وزن اقتصاد غیررسمی

نگرش‌های آن‌ها انجام شده حاکی از این است که بیش از ۷۴ درصد مشارکت‌کنندگان، بالا بودن نرخ مالیات را انگیزه ورود خود به اقتصاد سایه، بیان کرده‌اند و یک‌سوم افراد نیز از اساس دیدگاهی منفی نسبت به اقتصاد غیررسمی نداشته‌اند. در این مطالعه پرسش‌شوندگان گفته‌اند که کار غیررسمی بسیار ارزان‌تر از مشاغل رسمی است و ۶۱ درصد افراد نیز گفته‌اند بدون بخش غیررسمی نمی‌توانند امور زندگی معمول خود را بگذرانند.

در مطالعات متعددی که درباره علل گرایش نیروهای کار کشورهای توسعه‌یافته به بازارهای در سایه انجام شده چند نتیجه مشترک بوده است. تقریباً اکثر افراد مسئله ترس از بیکاری را مطرح کرده‌اند و نیروی کار بیکار، یکی از بزرگ‌ترین عوامل شناسایی تحولات اقتصاد سایه است. یعنی افراد می‌خواهند وضعیت اقتصادی خود را بهبود دهند، اما آم‌نی ندارند. در ایران نیز چنین مصداق‌هایی وجود دارد. فرضیه اثبات‌شده دیگر حسادت و تمایل افراد به سطح بالاتر دارندگی است و در سو‌مین فرضیه نیز کیفیت نهادی واجد خصلت انگیزه‌بخشی به افراد برای حضور در بازار کار غیررسمی بوده است. به عبارت دیگر، در اکثر کشورهای توسعه‌یافته چنانچه اعتماد عمومی به نهادهای ارائه‌کننده خدمات عمومی حداقلی باشد، بازیگران اقتصادی به سمت بازارهای غیررسمی سوق داده‌می‌شوند و وزن این بخش را در اقتصاد‌ها سنگین می‌کنند. وقتی کسی به دولت اعتماد ندارد، چرا باید صداقت به خرج دهد.

در سال ۲۰۱۰ نتایج تحقیقی در آلمان، نشان داد از هر ۱۰۰ نفر بیکار در این کشور، حداقل ۵۰ نفر مایلند وارد بازار کار غیررسمی شوند یا از هر صد نفر شاغل، دو نفر ابراز علاقه کرده بودند وارد بازار کار غیررسمی شوند. نکته دیگر اینکه نیروی کار تا هر زمانی که ما فکر کنیم به اشتغال در بازار کار غیررسمی ادامه می‌دهند. یعنی متغیر سن، ازدواج و تحصیل هیچ تأثیری در گرایش افراد به اشتغال در بخش غیررسمی ندارد. چنین نتایجی در عین حال توصیه‌های مهمی به سیاست‌گذاران کشورهایی مانند ایران نیز هست تا با تقویت اعتماد عمومی و بهبود عملکردها مانع از حضور افراد به‌ویژه زنان در عرصه‌های غیررسمی شوند.

پروفیسور اقتصاد دانشگاه یوهانس کپلر اتریش

در بروز و نمود مشاغل غیررسمی موثر است. شاهد مثال ما، کشورهای توسعه‌یافته اروپای مرکزی و شمالی هستند که بیش‌ترین نظارت‌ها بر فرایندهای انجام کار و نظام‌های پرداخت حقوق و مزایا انجام می‌شود. سازمان توسعه همکاری و توسعه اقتصادی نیز در مطالعات خود روی کشورهای منطقه آمریکای جنوبی به نتیجه جالبی رسیده است. به طور معمول وقتی تولید ناخالص داخلی کشوری به میزان زیادی رشد کند، انتظار می‌رود از حجم و اندازه بخش غیررسمی کاسته شود، اما مطالعات سازمان توسعه همکاری و توسعه اقتصادی نشان می‌دهد در این کشورها در بازه زمانی دهه ۸۰ تا ابتدای سال‌های ۲۰۱۰ به‌ازای رشد تولید ناخالص داخلی، بخش غیررسمی نیز قوت گرفته است. در کشورهای جنوب شرق آسیا نیز تقریباً همین الگو تکرار شده است. از آن سو نیز زمانی که اقتصادی در مسیر رشد در حال حرکت باشد، فرض اولیه آن است که از اندازه بخش غیررسمی کاسته شود، اما تجریبات کشورهای آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی خلاف آن را اثبات کرده‌اند. این مطالعه به بحث‌های زیادی دامن زده که بر تصورات قبلی خط بطلان می‌کشد و ما را به ناچار وامی‌دارد که فکر کنیم متغیرهای متعددی در عملکرد بخش‌های غیررسمی ایفای نقش می‌کنند و برای کاستن از سهم آن، تنها رشد اقتصادی یا افزایش میزان تولید ناخالص داخلی کافی نیست. با همه این‌ها محاسبات اخیر سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی و همین‌طور سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد در ۱۰ سال اخیر سهم اشتغال در بازار کار غیررسمی در اکثر مناطق به جز کشورهای آفریقایی کاهشی تقریباً پنج درصدی داشته، اما همچنان سهم بخش غیررسمی زیاد است.

در‌باره ایران با وجود اینکه اطلاعات متقن و دقیقی وجود ندارد، طبق داده‌های سازمان‌های بین‌المللی، از سال‌های انتهایی دهه ۱۹۸۰ تا سال منتهی به ۲۰۰۷ سهم بخش غیررسمی اقتصاد در ایران از ۵/۴۳ درصد به ۸/۴۸ درصد رسیده است. درباره ایران به جد توصیه می‌شود از مطالعات موردی و خرد استفاده شود تا سیاست‌گذاران متوجه شوند عوامل و متغیرهای انگیزه‌بخش به افراد به‌ویژه زنان برای حضور در بخش اقتصاد غیررسمی چیست. مطالعاتی که در آلمان درباره علل حضور افراد در اقتصاد غیررسمی و

آنالیزهای زیادی را به اجرا بگذاریم که متأسفانه این موضوع در کشورهای در حال توسعه چندان جدی گرفته نمی‌شود. به طور کلی در آسیب‌شناسی چرایی اشتغال به کار افراد در بخش‌های در سایه اقتصادها، هفت فرضیه مطرح می‌شود. به طور معمول اقتصادهای زیرزمینی بیش‌ترین درگیری را با نظام مالیات‌دهی دارند. در بسیاری از کشورها درآمد اصلی دولت از محل مالیات‌ها تأمین می‌شود که شامل حق بیمه‌های تأمین اجتماعی نیز می‌شود. انگیزه حضور در بخش غیررسمی مولفه بسیار مهمی است. این موضوع به‌خصوص درباره کارگران خارجی شاغل در بخش غیررسمی اهمیت به مراتب بالاتری دارد. برای مثال، فرض کنید اگر کارگران خارجی را وادار کنیم که حق بیمه تأمین اجتماعی پرداخت کنند در آن صورت ممکن است انگیزه کار کردن را از دست بدهند و به باری اضافی بر دوش اقتصاد‌ها تبدیل شوند. شفافیت قوانین و مقررات و امکان پذیر بودن استفاده از پوشش بیمه‌ای در صورت نداشتن قراردادهای کار رسمی نیز به نوبه خود مطرح است که همگی به کیفیت سیاست‌گذاری و عملکرد نهادهای در کشور به‌رمی‌گردد.

فرضیه دیگر قابل اعتماد بودن نهاد دولت است که هر اندازه نیروهای کار به دولت‌ها اعتماد کمتری داشته باشند، انگیزه‌هایشان برای فعالیت در بخش غیررسمی بیشتر است. فرضیه دیگر، نرخ بیکاری و رابطه آن با تعیین‌کننده بودن اقتصاد در سایه است. در اقتصادهایی مانند ایران که نرخ بیکاری بالاست، طبیعتاً افراد جویای کار از روی ناچاری به کار کردن در بخش‌های غیررسمی مشغول به کار می‌شوند. فرضیه دیگر فقیر یا غنی بودن یک کشور است. به این معنا که اگر کشوری از نظر توانمندی و ظرفیت‌های اقتصادی در سطح متعارف و امیدوارکننده‌ای قرار داشته باشد، سهم بخش غیررسمی در آن کمتر خواهد بود و بالعکس، در همین‌باره اگر درآمد سرانه در یک کشور بالا باشد، بازدارندگی حضور نیروهای کار در بخش غیررسمی افزایش پیدا می‌کند.

نکته دیگر میزان تردد و گردش نیروی کار است که اگر کشورها بتوانند ثبات و امنیت شغلی برای نیروهای شاغل ایجاد کنند، شاید در آن صورت انگیزه‌ها برای حضور و ایفای نقش در اقتصاد غیررسمی از آن‌ها سلب شود. سیاست‌های مرتبط با بازار کار و سخت‌گیرانه بودن قوانین و مقررات نیز



شواهد تجربی و مطالعات فراوانی در باره سهم نیروی کار و اشتغال در بخش رسمی و غیررسمی در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد. روی دیگر سکه، کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که اعداد و ارقام مربوط به بخش غیررسمی در آن‌ها چندان دقیق نیست و به این دلیل که تحولات پژوهشانی در این کشورها تجربه می‌شود، دقیق نمی‌توان گفت شاغلان بخش غیررسمی به طور مشخص چند ساعت در روز کار می‌کنند یا شغل دائم دارند یا به صورت موقت کار می‌کنند. درباره ایران نیز گذشته از آنکه اعداد و ارقام قابل اتکا و محاسبه‌گرانه‌ای در دسترس نیست، تحلیل دقیق روندها و تقابل بخش رسمی و غیررسمی وابسته به در نظر گرفتن سهم و مشارکت زنان در اقتصاد و میزان اشتغال آن‌هاست که محاسبه آن کار ساده‌ای نیست. به‌خصوص آنکه تفاوت‌هایی میان ایران و دیگر کشورها از نظر میزان مشارکت اقتصادی زنان دیده می‌شود و زنان ایرانی به طور معمول، زمان بیشتری را صرف مشاغل خرد و کوچک خانگی می‌کنند. البته کار زنان در خانه در هر کشور و هر اقتصادی تعیین‌کننده است،

اما نکته این است که ما به‌طور دقیق نمی‌دانیم چقدر از اشتغال خانگی زنان در حوزه اقتصاد غیررسمی جای می‌گیرد. برخی از آمارها نشان می‌دهد دست کم ۵۰ درصد مشاغل خانگی در حوزه اقتصاد غیررسمی جای می‌گیرند. یک دشواری عمده این است که وقتی کشورها را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم باید بدانیم دقیقاً از چه حرف می‌زنیم. علاوه بر افرادی که درگیر اقتصاد غیررسمی هستند ممکن است برخی از انواع پرداخت‌ها نیز در این حوزه جای گیرد. مسئله دیگر بازدارندگی سیاست‌گذاری‌هاست. طبیعی است که سیاست‌گذاران و قانون‌گرایان معتقدند هر کسی کار غیرقانونی انجام دهد باید مجازات شود، اما مسئله مهم‌تر تعیین حدود و ثغور اقتصاد غیررسمی است. برای مثال، اگر زنان در خانه کار نکنند، اقتصاد‌ها ضربه‌پذیر می‌شوند. به این دلیل که بسیاری از اقتصاد‌ها توان پرداخت حقوق و مزایا به زنان خانه‌دار را ندارند. اگر بخواهیم دراییم که چرا اساساً افراد به سمت کار کردن در اقتصاد غیررسمی می‌روند باید مطالعات و پیمایش‌ها و